

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## تلاش‌های تب‌آلودی بمنظور قرارداد دادن افغانستان در مرکزبازی بزرگ ورشکستگی میان دوره‌ی درمیهن و آزاد گذاشتن دستان امریکایی‌ها تلاش برای ایجاد کانون‌های جدید تنش در سرزمین کشور ما

آیا جبهه مقاومت ضد "طالب"‌ها در حال شکل‌گیری می‌باشد؟  
آموختن از درس‌های تاریخ بمتابۀ مشکل موجود سرراه ما  
آیا افغانستان باعتبار ایالات متحده آسیب‌رسانیده است؟  
مبارزه مرگ‌و‌زندگی در داخل قلمرو کشور

بازی بزرگ نامی است که به رقابتهای سیاسی و نظامی دوامپراتوری بزرگ بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی داده شده است. این رقابت‌ها تقریباً در امتداد سده ۱۹ تداوم داشت. عبارت بازی بزرگ پس از نشر رومان کیم نوشته اودیارد کیپلینگ سرزبان‌ها افتاد. مسابقات سایه‌ها عنوان دیگریست که به رقابت‌های میان دو ابر قدرت زمان در مناطق آسیای مرکزی شامل افغانستان، ایران و سایر امیرنشین‌هایا خان نشین‌ها باین مناطق داده اند. این رقابت‌ها از اوایل سده نوزدهم، یعنی پس از معاهده گلستان میان روسیه و ایران آغاز شده و تا سقوط امیرنشین بخارا و پس از آن تا انقلاب اکتوبر روسیه ادامه داشت. این عنوان بگونه غیر رسمی پس از جنگ جهانی دوم و وضعیت پسا استعماری آن در توصیف طرح‌های ابر قدرت‌های منطقوی زمان بمتابۀ حوزه نفوذ ژئوپولیتیکی در مناطق افغانستان و ایران داده شد. اصطلاح "بازی بزرگ" را به آرتور کانولی نسبت داده اند، نامبرده بمتابۀ افسر اطلاعاتی در کمپنی هند شرقی بریتانیا مشغول فعالیت بود. قابل یادآوری پنداشته می‌شود که در کنار محلات دیگر، از جمله کابل، کندهار، بالاحصار و غزنی بمتابۀ مکان‌های سرنوشت ساز در مجموعه بازی بزرگ پنداشته میشوند. جنگ اول افغان و انگلیس (۱۸۳۹ - ۱۸۴۲) به پیروزی افغان‌ها بر انگلیس انجامید، اما در نهایت امر در جنگ کابل، انگلیس‌ها بر افغان‌ها فایز آمدند. این جنگ بمتابۀ نخستین لشکرکشی‌های بزرگ سده نوزدهم در جریان رقابت‌ها بر سر تصاحب قدرت و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی بود که با عنوان بازی بزرگ میان امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه شناخته می‌شود.

در سرآغاز نیشته حاضر، تذکر این مسأله شایان توجه پنداشته می‌شود که در کنار عوامل و فاکتورهای متنوع و گونه‌گونه، از نقش و اثرگذاری عامل جغرافیایی در مجموعه مناسبات بین‌المللی لحظه‌ای هم نباید چشم‌پوشی بعمل آید. خاطر نشان باید نمود که ایالات متحده از رهگذر موقعیت جغرافیایی، در فاصله زیادی از کشور ما واقع شده و اما کشورهای همجوار افغانستان و بویژه روسیه و کشورهای آسیای میانه اصلن و در واقعیت امر نمی‌توانند بدون تعامل عملیاتی از کنار حوادث موجود در کشور ما بسادگی بگذرند. جهان و جهانیان در انتظار تطبیق و اجرای عملی وعده‌های داده شده "طالب"‌ها از جمله جلوگیری از رشد خطر تروریسم و مبارزه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر و ارائه اطمینان بیشتر در مورد تشکیل دولت فراگیری که منافع سیاسی و قومی شهروندان کشور را انعکاس دهد، میبایشد. اما نباید فراموش نمود که موضع عملگرایانه بخشی از کشورها به مزاح و اشنگتن اصلن سازگار نمی‌باشد. در مقاله‌ها و یادداشت‌های کارشناسان امریکایی، حتا اشاره‌ای به موضوع پاسخگویی ایالات متحده در قبال وضعیت کنونی افغانستان بعمل نیامده است. بخاطر ما باشد که نحوه سیر تکوین حوادث و

تحركات موجود در کشور عزیز ما افغانستان که در نوع خود بازگویی بحران عمیق و گسترده سیاسی، بشری و بحران مدیریت در مجموع کشور می باشد، تهدیدهایی را متوجه ثبات و امنیت منطقوی نیز می نماید. در وضعیت بحرانی کشور ما، دول کشورهای همجوار افغانستان نیز خود را میرا از اثربخشی آن نمی پندارند. اما چگونگی رویکرد "طالب" ها بویژه در قبال قدرت، روند ژئوپولیتیک کنونی در منطقه را پیچیده تر کرده است.

عدم تطبیق عملی و عده های قبلی داده شده توسط "طالب" ها بویژه در مورد تشکیل و ایجاد دولت فرا گیر با شرکت گروه های وسیع سیاسی و قومی، اسباب نگرانی های جدی را ببار آورده است. با کمال تأسف که سازمان های دفاع از حقوق بشر در مورد نقض حقوق سایر گروه های قومی و اقلیتهای نژادی، مهر سکوت بر لب زده و حتا از ابراز نظری در مورد خودداری می ورزند. در شرایط و وضعیت کنونی، بگونه مثال در پنجشیر شاهد نقض صریح و غم انگیز حقوق بین المللی بشردوستانه می باشیم. باشند های ولایت یاد شده عملن از دسترسی ب مواد غذایی و سایر مایحتاج اولیه بشمول کمک های بشر دوستانه محروم میباشند. حتا سازمان ملل و کمیته بین المللی صلیب سرخ هنوز هم نمیتوانند بمنظور انجام مسؤلیت های بشردوستانه وارد ولایت پنجشیر شوند. وضعیت موجود در پنجشیر را می توان فاجعه بشری نامید.

افزایش روز افزون درگیریهای گروه های قومی در کشور ما بمثابة یکی از جمله فاکتورهای ایجاد تشنج در اوضاع سیاسی و امنیتی کشورهای همجوار افغانستان محسوب میگردد. بر این بنیاد، آغاز گفتگوهای جامع و معنادار با مشارکت و سهمگیری همه بخش های جامعه افغانی، عامل دیگر است که در چگونگی اوضاع سیاسی - امنیتی کشورهای همجوار تأثیر گذار می باشد.

با اینحال، مطمئن باید بود که بمنظور رسیدگی مناسب به مسایل سیاسی و امنیتی کشورهای همجوار، ضرورت تشکیل و ایجاد دولت فراگیر برخاسته از متن انتخابات که تبار زدهنده اراده همه شهروندان و سایر گروه های سیاسی و اقلیت های ملی و قومی کشور باشد، در دستور روز قرار می گیرد. بعبارت دیگر چنین پنداشته می شود که در کشور عزیز ما افغانستان، بایست نوع ساختار نظام از طریق همه پرسی در داخل کشور و با شرکت و سهمگیری همه جناح ها و طرف های موجود، معین و مشخص گردد، چه، تشکیل و پایه گذاری هر نوع دولت و حاکمیتی بدون تبلور منافع و مصالح سایر طبقات، اقشار و گروه های قومی و ملیتی، بگمان اغلب که پیامدهای فاجعه باری در کشور بدنبال خواهد داشت.

جهان و جهانیان با وضاحت کامل باین واقعیت آگاه میباشند که در امتداد زمانی بیش از ۴۰ سال جنگ، درگیری و بی ثباتی، سرزمین و اراضی متعلق بکشور ما را مبدل به میدان بازی های ژئوپولیتیک نموده و اینهمه بگونه ای پیامدهای حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محسوب گردیده و اکنون شاهد عواقب ناشی از آن می باشیم.

بیشتر از این با سرهم بندی درگیری های تباہ کن و خونینی نباید به درد ورنج های بی پایان شهروندان کشور افزوده شود. افغانستان و افغان ها در مقایسه با هر کشور و ملیت های دیگر جهان، متحمل تلفات جانی و مالی بیشتری گردیده اند. شهروندان کشور، مسیر طولانی همراه با تعارضات جنگی و معضلات بشری را پشت سر گذر گذاشته اند.

اما بمنظور حل و فصل قضایای موجود و تأمین امنیت پایدار در کشور، معاونت های جهانیان و همبستگی منطقوی و جهانی در دستور روز قرار دارد. بنابراین، از جامعه بین المللی تقاضا بعمل می آید تا هر چه عاجل تر باتخاذ تصمیم ها و اقدامات عملی و مؤثر با بکارگیری از راهها و وسایل صلح آمیز بمنظور تأمین ثبات در وضعیت سیاسی پیچیده کنونی کشور جنگ زده ما مبادرت ورزند.

شهروندان کشور ما در شرایط و وضعیت حاضر با درگیریها و برخوردهای وحشتناکی روبرو می باشند. همه باین واقعیت معترف اند که وضعیت حاضر بگونه سازمان یافته ای بر شهروندان کشور ما تحمیل گردیده است. قابل یاددهانی پنداشته می شود که با رهایی زندانی ها در کشور، هزاران تن از زندانیان

متهم به عضویت در "داعش" و "القاعده" و سایر گروه‌های تروریستی نیز از حبس رها گردیدند. بسخن دیگر، جای تأسف خواهد بود که کشور ما مجدداً به مهد تروریسم بین‌المللی مبدل گردد.

برخی از کارشناسان امور در غرب چین می‌پندارند که پس از فراخواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق با افغانستان، روسیه و چین سعی خواهند ورزید تا در جهت تضعیف اهرم‌هایی کایالات متحده به منظور اعمار افغانستان رویدست گرفته بود، تلاش ورزند. بسیاری‌ها با این امر توافق دارند که خروج ایالات متحده از افغانستان، تهدیدهای جدی بامنیت روسیه را در قبال خواهد داشت. در مجموع اراضی روسیه، رفت و آمد و سفر شهروندان آسیای میانه بدون موجودیت و ضرورت ویژه صورت می‌گیرد. کشورهای قزاقستان، قرغیزستان و تاجیکستان از جمله اعضای پیمان امنیت جمعی می‌باشند. در صورت حمله مسلحانه یکی از کشورهای عضو شامل پیمان یادشده، همه اعضای آن مکلف خواهند بود تا معاونت‌های لازم بشمول کمک‌های نظامی را بجانب کشور مورد نظرتییه نمایند.

تصور وضعیت امنیت مطمئن در بیشترین بخش‌های فضای پسا شوروی، بویژه در امتداد مرزهای فدراسیون روسیه بدون مشارکت ایالات متحده، اصلن ساده لوحانه پنداشته می‌شود. با درگیریهای مسلحانه در دنباس، بی‌ثباتی در بلاروس، جنگ میان ارمنستان و آذربایجان در مورد نوگورنه قره باغ و در نهایت امر، با اقدامات و فعالیت‌های جنگی در داخل کشور ما، بنحوی از انحأ دست‌ان ایالات متحده بمنظور ایجاد کانون‌های جدید تشنج، بازگذاشته شد.

فدراسیون روسیه، قبل از همه و بیشتر از سایرین، بویژه در مورد موجودیت و حضور بنیادگرها در امتداد سرحداتش نگران می‌باشد. نباید فراموش نمود که حاکم گردیدن "طالب"ها بر افغانستان و امکان تأمین کنترل و نظارت ایالات متحده بر منطقه، برای کرملین بمتابۀ معضل جدی محسوب می‌گردد. در مسکو چنین پنداشته می‌شود که ایالات متحده، بویژه از طریق افغانستان در صدد سرهم بندی معضل برای فدراتیف روسیه می‌باشد.

این، کاملن تفهیم شده که همه دول کشورهای همجوار افغانستان باستثنای تاجیکستان، آماده گفتگو با رهبری جدید در افغانستان می‌باشند. اما بخاطر باید داشت (که باستثنای امام علی رحمان که ۲۰ سال قبل نیز رئیس جمهور تاجیکستان بود)، حتا یکی دیگر از جمله رهبران کنونی دولت کشورهای همسود در امتداد زمان نخستین یورش ایالات متحده با افغانستان و سرنگونی "طالب"ها (در سال ۲۰۰۱)، در رأس قدرت قرار نداشتند. زمانی که "طالب"ها بیشترین بخش‌های کشور را تحت نظارت داشتند، دوشنبه گروه‌های قومی تاجیک‌هایی را که علیه "طالب"ها می‌رزمیدند، مورد حمایت و پشتیبانی قرار داد. در چنین وضعیتی، تاجیک‌ها نیز بنوبۀ خویش از حمایت عمومی در داخل کشور تاجیکستان برخوردار گردیده و در وضعیت کنونی نیز چنین اقدامی بمنظور تحکیم موقعیت نامبرده لازمی و حیاتی پنداشته می‌شود.

رئیس جمهوری تاجیکستان در ۷۶ - مین اجلاس عمومی سازمان ملل اعلام نمود که کشورش اصلن در صدد مداخله در امور داخلی افغانستان نمی‌باشد. اما برای تاجیک‌ها یگانه مسأله مورد اندیشه و تأمل، همانا عدم پابندی "طالب"ها با اجرای عملی وعده‌های داده شده، پنداشته می‌شود. رئیس جمهور کشور تاجیکستان همچنان از تشدید تشنج‌های قومی، بویژه پس از بقدرت رسیدن "طالب"ها در کابل، ابراز نگرانی نمود.

اما خاطرنشان باید نمود که رهبری ازبکستان و ترکمنستان نمی‌توانند بسادگی، منافع و مصالح ازبک‌ها و ترکمن‌های موجود در اراضی کشور ما را نادیده انگارند. بر بنیاد آمار و ارقام ارائه شده، در مجموع تعداد نفوس کشور، ازبک‌ها ۹ درصد و ترکمن‌ها ۳ درصد از شهروندان افغانستان را تشکیل می‌دهند.

با در نظر داشت مطالب گفته آمده، همچنان موجودیت و حضور عوامل خارجی و از جمله حضور جنگجویان گروه ممنوعه "جماعت انصار الله" تاجیکستان در صفوف "طالب"ها را نیز نباید فراموش نمود.

گروه‌بندی یادشده، ده سال قبل به‌دفع سرنگونی رژیم قانونی دوشنبه پایه‌گذاری شد و در عمل، مؤفقیت "طالب"‌ها را در بدخشان تسهیل نموده و بخش‌های وسیعی از مناطق یادشده را تحت تسلط خویش قرار دادند.

گروه "انصارالله" با "القاعده"، "تحریک طالب‌های پاکستان"، "جنبش اسلامی ازبکستان" و با جنگجویانی در افغانستان و پاکستان مرتبط می‌باشد.

بربنیاد گزارش‌هایی، "طالب"‌ها وعده سپردند تا ارتباطات و مناسبات شان را با "القاعده" و سایر سازمان‌های تروریستی قطع نموده، فعالیت‌های آنها را در سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان ممنوع نمایند، اما تاکنون، این وعده صرف در لفظ باقی مانده و از قوه بفعل مبدل نگردیده است. سایر کشورهای آسیای مرکزی از این امر هراس داشته و از سختگیری‌های ذاتی رحمان در امر پیگیری مخالفت با "طالب"‌ها شک دارند. اما "طالب"‌ها به تاشکند اطمینان دادند که بهیچ‌کدام از واحدهای شان اجازه انجام عمل خصمانه و شرکت در اقدامات مسلحانه علیه ازبکستان، حتا در نزدیکی مرزهای آن کشور را نخواهند داد. اما عوارض جانبی بی‌ثباتی در کشورما، ممکن سبب ساز تحرکاتی در مجموعه سازمان تروریستی در ازبکستان گردد.

در این مقطع پرسشی مطرح می‌گردد که "طالب"‌ها چگونه و به چه نحوه‌ای با استفاده از شرایط و وضعیت، خالیگاه بوجود آمده پس از ختم حضور نظامیان امریکایی‌ها در کشور را مرفوع خواهند نمود؟

به پرسش فوق، چگونگی سیر حوادث پاسخ قناعت بخشی ارائه خواهد نمود.

اما تذکر این مسأله در خور اهمیت پنداشته می‌شود که با بستن مرزهای کشورهای همجوار افغانستان بمنظور جلوگیری از ورود شهروندان کشورما، اما ازبکستان، ارائه و تداوم معاونت‌های مواد غذایی و فرآورده‌های نفتی و انتقال انرژی برق با افغانستان را از سرگرفت. رئیس‌جمهور آن کشور اظهار نمود که معاونت‌های یادشده بر این بنیاد با افغانستان صورت می‌گیرد کافغان‌ها نباید در قبال معضلات موجود، تنها گذاشته شوند.

در آخرین تحول، وزارت امور خارجه روسیه از ملاقات و گفتگو‌هایی با جانب "طالب"‌ها در مسکو خبر داده است. بر بنیاد اطلاعات منابع مطلع، "طالب"‌ها نیز دعوت مسکو بمنظور آغاز گفتگو‌ها با جانب روسیه را پذیرفته‌اند. بر بنیاد گزارش‌های وزارت امور خارجه روسیه، قرار است بتاريخ ۲۰ ماه اکتوبر سالروان، مذاکرات یادشده با نماینده‌های حاکمیت جدید افغانستان در مسکو آغاز گردد. جانب وزارت امور خارجه روسیه خاطرنشان نمود که در ابتدای امر، جانب روسیه قصد دارد تا اعتراضاتش را با صراحت بجانب افغانی خاطرنشان نماید، اما این کارنه بمثابه خواست، بلکه در قالب یک جلسه در مورد چگونگی آغاز و تداوم سازنده مذاکرات بمنظور حل مشکلات موجود انجام خواهد شد.

اما در اینجا با سبک و سنگین نمودن موضوع و مسأله مورد بحث در مورد تحرکات مسلحانه و درگیری‌های موجود در کشور باید افزود که یکی از جمله عوامل و فاکتورهای متعدد شکست و عدم مؤفقیت ایالات متحده در کشورما، چگونگی عملکردهای گروه‌بندی‌های جهادی در آسیای مرکزی پنداشته می‌شود. همه بخوبی می‌دانند کانها، آن بخشی از شبکه "القاعده" را تشکیل می‌دهند که بطرفداری از "طالب"‌ها می‌جنگند.

با در نظر داشت واقعیت‌های مطرح، این ایالات متحده و هم‌پیمانانش بودند که به تهدیدهای موجود بویژه در کشورهای همجوار افغانستان، کم‌بها داده و عواقب فراخواندن نظامیان شان را اصلن در نظر نگرفتند.

ولی اهداف و اشنگتن واضح و روشن می‌باشد و آن اینکه افراط‌گرایان را باید بمنظور حفظ کانون‌های تشنج در منطقه بگونه دست ناخورده و حاضر و آماده بمنظور انجام عملکردهای بعدی، همچنان در آغوش گیرند.

چگونگی تعامل با آسیای مرکزی و قزاقستان، ممکن بمتابۀ وسیله ایی برای غرب بمنظورکاهش و محدود نمودن نفوذ مسکو بوده وکشور عزیزما افغانستان، یکباردیگر در مرکز یک بازی بزرگ قرار داده شود.

یکشنبه ۲۵ ماه میزان سال ۱۴۰۰ خورشیدی